

آینة

ایران

سرِمقاله: «انتخاب میان تعلیق یا لغو تحریم»؛ علی بیگلری

آمریکا به‌عنوان یکی از حلقه‌های اصلی گروه تحریم‌کننده ایران ابتدا بر این موضوع پافشاری می‌کرد که برداشتمدن تحریم‌ها به‌مدت‌زمانی بین ۱۲ تا ۱۷سال نیاز دارد، اما چنین موضعی از همان ابتدا با مخالفت صریح مقام‌های ایرانی رویه‌رو شد. آمریکا بعد از آنکه با مخالفت ایران در زمینه جدول زمانی لغو تحریم‌ها روبه‌رو شد بر آن شد تا به‌رغم اختلاف نظر مقامات کاخ‌سفید با نمایندگان کنگره، گزینه تعلیق را مطرح کند تا از به‌ین‌بسترسیدن مذاکرات، جلوگیری و روند رو به جلو گفت‌وگوهای هسته‌ای را تسهیل کند. گرچه دولت اوپاما توبایی تعلیق یکباره همه تحریم‌ها بدون تصمیم‌گیری کنگره را دارد اما باید در نظر گرفت که جناح حاکم بر کاخ‌سفید تحت فشار شدید جریانات و گروه‌های تندروی این کشور قرار دارد. طبیعی است که این جناح نخواهد هر گونه تصمیم‌گیری در مذاکرات هسته‌ای با ایران با موافقت و همراهی قانونگذاران جمهوریخواه آمریکایی همراه باشد تا بتواند در بلندمدت برنامه خود درباره لغو تحریم‌ها را اجرا کرده و همچنین اعتبار پایگاه حزبی خود در صحنه سیاسی آمریکا را در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای حفظ کند.

تحریم

یادداشت: «نبلی؛ گزینه‌ای با وجهه پررنگ علمی و مدیریتی»؛ احمد شیرزاد
دکتر نبلی طی سال‌های مدیریت در دانشکده فنی زمینه رشد و رونق این دانشگاه را با جذب هیات علمی نخبه و جوان فراهم کردند و در قالب یک مدیر حرفه‌ای غیرسیاسی و موفق عمل کردند. بنابراین از این نظر گزینه مناسب و معتدلی است و به فرآیندهای اجرایی و مدیریتی در حوزه آموزش‌عالی آشنایی دارد و می‌تواند این وزارتخانه را به‌خوبی مدیریت کند. تاییدی که نسبت به ایشان وجود دارد نه از نقطه نظر سیاسی بلکه با توجه به وجهه علمی و سابقه مدیریتی ایشان است. دکتر نبلی هیچ زمانی مدیر سیاسی نبود و طی سال‌های گذشته به‌هیچ‌وجه تلاش نکرد رکود و سابقه سیاسی از خودشان به جا بگذارند این ویژگی ایشان را به‌عنوان حسن مطرح نمی‌کنم بلکه به‌عنوان یک واقعیت متذکر می‌شوم.نکته‌ی بعدی اینکهوزارت علوم مدبری را می‌طلبد که در چارچوب‌های محدود سیاسی فکر نکند و نگاهی حرفه‌ای به کلیت آموزش عالی و به وزارت علوم به‌عنوان موسسه‌ای که وظیفه تربیت دانشجو و توسعه علم و فناوری را دارد داشته باشد نه یک نگاه سیاسی و ابزاری برای نفوذ سیاسی.

کیان

سرِمقاله: «آقای روحانی از شما بعید بود!»؛ حسین شریعتمداری

آقای دکترحروحانی در اجتماع مردم زنجان به تشریح نظرات خویش درباره فرضیه امربه‌معصوف و نهی‌ازمکر پرداخت که با عرض پوزش باید گفت؛ اظهارات ایشان اولاً در بیسان موضوع «دوپهلوا» ، ثانیاً با توجه به مختصات زمانی- یعنی مجاری اسپیدپاشی ضدانقلاب داخلی و تهم‌پراکنی دشمنان بیرونی درباره آن- «حساب‌نشد»...
ثالثاً در برخی از موارد با واقعیات جاری انطباق نداشت...
آقای رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنان خود درباره درس‌های کربلا و عاشورا به «قبول توبه» اشاره کرده و می‌فرماید: «ما تابع همان حسینی(ع) هستیم که توبه حر را هم قبول کرد...». شواهد فراوانی که برخی از اظهارات و مواضع اخیر نزدیکان جابجایی از جمله آنهائست، نشان می‌دهدمنظور شما از پیش کشیدن ماجرای حر، از تباط‌اندان آن با ماجرای خیانت سران فتنه بوده است که نه فقط قیاس مع‌الفارق است بلکه می‌تواند برای جنبایی یک درس بود و «توبه» شما را از آنچه گفته‌اید در پی داشته باشد.
باید از بیس‌جمهور محترم پرسید؛ آیا سران فتنه از جنایت و خیانتی که مرتکب شده بودند، توبه کرده‌اند؟ که سخن از بخشش و پذیرش توبه آنها در میان باشد؟! اگرچه در هیچ‌یک از سیستم‌های حقوقی دنیا، توبه جنایتکار مانع مجازات آنان نمی‌شود و در نظام حقوقی اسلام نیز چنین است. از این روی اظهارات جناب‌رئیس‌جمهور که یک عالم دینی و حقوق‌ان هستند، تعجب‌آور است و انتظار آن است که به صراحت اعلام کنند منظورشان سران فتنه و گذشت از جنایات آنان- آن‌هم بی آنکه توبه کرده باشند- نبوده است.

وطن امروز

سرِمقاله: «چه کسی مسوول است؟»؛ حسین بابازاده‌مقدم

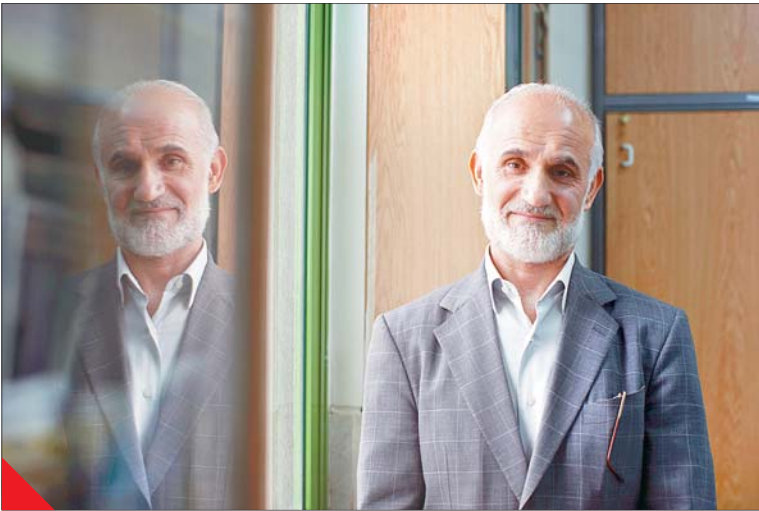
بسیاری از فضاسازی‌های به‌عمل‌آمده در پرونده‌های قضایی از جمله اعدام اراذل‌و‌لوی‌اش در نواحی مرزی که بعضاً مرتکب کثرت‌ترین جرایم ضدانسانی شده‌اند یا مورد جنجال‌آفرین قتل یک مرد توسط دختری که خبر اعدام وی جنجال غیرقابل تصویری را برانگیخته است، می‌تواند به مرور زمان رفتارهای ناعجاز از سوی شهروندان را رقم بزند. قویقتضاییه و سبایر دستگاه‌های که در امر وقوع جرم مسوول شناخته می‌شوند عملاً با عدم ورود به افتاع فکری افکار عمومی در این حوزه‌ها خود را در برابر تبعات ناشی از تاراجی‌ها و رفتارهای فحشاء از سوی جدهم جده جنگ‌های روانی قرار می‌دهند که به مرور زمان ممکن است تبدیل به یک مساله عمومی شود. در روزهای گذشته جریان ضدانقلاب و گروه‌های نزدیک به گروهک تروریستی منافقین با سوارشدن بر موج دروغ درباره ریحانه جباری و دامن‌زدن به شایعه تجاوز به وی قبل از اجرای حکم اعدام به تنفرهای کور علیه نظام دامن می‌زنند، سیوال این است که در چنین وضعیت احتملی که درباره پرونده‌های دیگر نیز به‌راحتی تکرارپذیر است، تنویر افکار عمومی وظیفه چه دستگاهی است؟ حال آنکه اساساً موضوع مذکور و رفتار مجرمانه فرد مذکور و روند قضایی طی‌شده بسیار روشن و قابل‌فاح است.

سیاست

دکتر مصطفی معین در گفت‌وگو با «شرق»:

بورسیه‌های غیر قانونی تعجب‌برانگیز نبود

مهاجرزینی



دکتر مصطفی معین، مدیرعامل هیات علمی دانشگاه تهران

هیات‌علمی دانشگاه‌هاکنیم، به‌منظر من اگر ما اساس ورود به هیات‌های علمی و بورسیه‌ها را با توجه به بیت‌المال و شایستگی علمی و اخلاقی افراد قرار دهیم، مساله حل می‌شود که این هم به یک باور جدی و هم به یک واقعیت نیاز دارد. من می‌خواهم به اتفاقی که سال ۷۶ با آن روبه‌رو بودیم، بازگردیم، قبل از ورود من به وزارتخانه، صد‌هاس‌تاد دانشگاه پاسکاری شده بودند آن هم در حالی که صحبت‌کردن از اسلامی‌کردن دانشگاه‌ها بسیار می‌شد درحالی که بین آنها افراد شاخص به‌لحاظ علمی و اخلاقی دیده می‌شد و من دیدم اصلاً جای درنگ و تردید نیست، قانون‌آموزشی وقت خواستم کمیته‌ای تشکیل دهم و پرونده افرادی که به شکل غیرعلمی و غیراخلاقی اخراج شده بودند، بازنگری شده و دعوت به کار شوند. قریب‌به‌اتفاق این افراد به دانشگاه بازگشتند. حق این است که ما با شفافیت تمام و براساس معیارهای علمی و اخلاقی به موضوع برخورد کنیم.

«احتمالاً خیلی‌ها مخالف اقدامات شما بودند. شما آن زمان چطور در برابر فشارها ایستادید و عقب‌نشینی نکردید؟

در آن زمان باید به شما بگویم هم دانشگاه‌ها و هم آموزش عالی ما از یک حرمت و اقتدار خاصی برخوردار بود که کمتر عناصر سیاسی به‌خود اجازه می‌دادند خودشان را به دانشگاه و دستنه‌های دانشگاهی تحمیل کنند. در مدت هشت‌سال دولت آقای‌احمدی‌نژاد متأسفانه بسیاری از اختیارات قانونی آموزش عالی به نهادهای دیگر واگذار شد، نقش هیات امانا و استقلال عمل و اقتدار دانشگاه‌ها زیرپا گذاشته شد و دانشگاه خیلی افت کرد. درباره دانشگاه باید با ابیبات علمی حرف زد، مهم‌ترین موضوع که آن زمان باعث شد دیدگاه غم‌نشینکنی کند، حساسه دوم‌خرداد بود که انگیزش بزرگی در جامعه ایجاد کرده بود. در ماه‌های اول مسوولیت من در دولت اول اصلاحات قضا را اسامان دادیم و اجازه ندادیم مزمن شود و خودش را بر سیاست‌های وزارت علوم تحمیل کند.

«ولی گویا این اتفاق در دولت فعلی نیفتاد، مثل قضیه دانشجویان و استادانی که در دولت قبلی ستاره‌دار و اخراج شده بودند. بخشی از آنها به‌دانشگاه بازگشتند ولی بعد از اینکه فشار مخالفان شدت گرفت، این روند متوقف یا کند شد. حتی ما امسال هم دوباره با پدیده دانشجویان ستاره‌دار روبه‌رو بودیم.
همین‌طور است و من به این موضوع نقد دارم. البته اعمال مدیریت و قاطعیت به اهمیت بسیار دارد. در این شرایط برای این دولت دشوارتر از زمان ماست، اما یکی از معیارهای ما هم دفاع از نهاد منوی دانش و پژوهش و حقوق افراد است. اگر این را معیار قرار دهیم، باید پایش بایستیم. نقد دیگری که من دارم این است که در این یک‌سال‌ونیم، وزارتخانه نتوانسته از پتانسیل عظیم دانشگاه‌های کشور به طور کامل استفاده کند و ارتباط منظمی با دانشگاهی‌ها داشته باشد.

«آقای روحانی سال گذشته در نقدی به سکوت دانشگاهی‌ها، از آنها خواست بیایند و حرف بزنند و میدان را از بی‌سوادان بگیرند

نقد من بیشتر از اینکه به بعد سیاسی باشد، به بعد مدیریتی است. من در دوران مسوولیت خودم به‌همراه معاونان و مدیران ستادی به‌طور منظم از دانشگاه‌ها بازدید داشتم و جلسات مفصلی با دانشگاهیان، کارمندان و دانشجویان می‌گذاشتم. گزارش کار می‌دادیم و نظرانشان را جویا می‌شدیم. تلاش می‌کردیم برای تقویت فرهنگ علمی در جامعه که اتفاق انعکاس خوب رسانه‌ای هم پیدا کند. خیلی از مواقع تیرتیرهای روزنامه‌ها مسایل دانشگاه‌های کشور بود؛ نه‌فقط سیاسی، بلکه سیاست‌های فرهنگی، علمی و پژوهشی. این پتانسیل اگر فعال می‌شد، به بزرگ‌ترین پشتوانه وزیر در دوران استیضاحش بدل می‌شد. در این صورت می‌شد سؤال کرد اگر وزیری از پشتوانه دانشگاهی برخوردار است، پس با چه منطقی با او برخورد حذقی می‌کنید؟ دانشگاهیان را ورا انتخاب کرده‌اند و از او حمایت می‌کنند.

«البته روزهای نزدیک به استیضاح، نامه‌ای به امضای چنددهزار استاد دانشگاه در حمایت از «فرجی‌دانا» منتشر شد.

این کافی نیست، با طومار نمی‌شود کاری کرد. قبل از طومار یعنی سطح آگاهی‌ها بالا رود. همفکری و همکاری ایجاد شود تا به تصمیماتی در ارکان کشور بدل شود. در یک جامعه پیشرفته دانشگاه باید جهت‌دهنده باشد. اگر غیر از این باشد، جواب نخواهیم گرفت. در دنیای پیشرفته دیگر مرزی بین جامعه و دانشگاه نیست. در دولت آقای‌خاتمی تلاش کردیم این تحول ساختاری در آموزش عالی و مدیریت اجرایی کشور رخ دهد که متأسفانه همان‌طور که استحضار دارید به بن‌بست خورد.

دفاع می‌کرد؛ خیلی تاثیرگذار بود. حتی اگر این دفاع منجر به دادن رای «اعتماد» نمی‌شد، اما برای جامعه می‌توانست آموزنده باشد. عدم‌شرکت شاید به لحاظ سیاسی، اخلاقی اقتصاد،ی، ترافیک، محیط‌زست، پایین‌بودن سرمایه اجتماعی و اعتمادی، سوءظن، افزایش آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی و... مشکل داریم. انتقاد دارم نسبت به این مساله آنطور که باید اهتمام نکردند؛ اهتمام نسبت به شکل‌دادن نهادهای مدنی در همه زمینه‌ها. ما در زمینه مدیریت، فساد اداری، اخلاق سیاسی، اخلاق اقتصادی، ترافیک، محیط‌زست، پایین‌بودن سرمایه اجتماعی و اعتمادی، سوءظن، افزایش آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی و... مشکل داریم. **« برخی این انتقاد را به اصلاح‌طلبان وارد می‌دانند که اغلب کنش‌های آنان معطوف به حوزه قدرت و سیاست بوده است به طوری که اگر در این حوزه به بن‌بست بخورند، کاملاً منفعلی می‌شوند.**
نباید از یاد ببریم که هدف اصلی، خود مردم هستند و سیاست، وسیله خدمت به مردم به شمار می‌رود در حالی که متأسفانه در برخی موارد - در هردو جناح - سیاست، هدف شده و مردم وسیله. این نوعی بی‌احترامی به مردم هم است. «گانت» جمله‌ای به این مضمون دارد که انسان خودش هدف است، ما هم می‌گوییم درد از آفرینش، انسان بوده است. این انسان نمی‌تواند وسیله حتی مقدس‌ترین هدف‌ها قرار گیرد. من سعی کردم بعد از اینکه از دولت‌دوم آقای‌خاتمی بیرون آمدم، در این زمینه فعال شوم و حدود هفت «ان‌جی‌او» در زمینه‌های اخلاقی، علمی و اجتماعی راه‌اندازی کردیم. درست است امکانات اطلاع‌رسانی کم داریم، اما سعی می‌کردیم کارهای اساسی انجام دهیم. مثلاً بر پایه مطالعه و پژوهش گزارش‌هایی از وضعیت جامعه و زنان تهیه کردیم که شاید در نوع خود بی‌سابقه بوده است. در مرحله بعدی سعی داریم گزارشی از وضعیت کودکان ایرانی منتشر کنیم.

« نهادهای مدنی باید پل ارتباطی بین مردم و دولت باشند. خود ما در تجربه شخصی‌تان تا چه حد در این زمینه موفق بوده‌اید؟ دستاورد فعالیت در تشکل‌های غیردولتی دکترمعین از زمانی که از قدرت خارج شده، چه‌چیزی بوده است؟
اگر کوتامندت را در نظر بگیریم، به علت فقدان امکانات و رسانه شاید موفق نبوده‌ایم. ولی ارتباط تنگاتنگی که موردنظر شما با جامعه بوده است، نداشتیم. مخاطب آن در مرحله فعلی، «نخبگان» بوده‌اند. البته این هم مهم است که نگاه نخبگان به جامعه تغییر کند. گزارش وضعیت اجتماعی ایران که سال‌های ۸۰ تا ۸۸ را پوشش می‌دهد، می‌تواند یک کمک بسیار جدی به دولت در زمینه تهیه برنامه‌ها و سیاست‌های کلان ملی باشد. نه اینکه مثل دولت قبلی، صلاوتی، تعدادی مصوبه از سر بگذارند.

« سؤال بعدی من به دانشگاه بازمی‌گردد. باوجود همه رخدادهای ناخوشایندی که در دوره احمدی‌نژاد در دانشگاه‌ها رخ داد، اما هیچ‌کدام اعتراض اصولگرایان را برنپان‌نیخت. اما گویا ه‌روقت دولتی غیراصولگرا سسر کار آمده، دانشگاه یکی از پرچالش‌ترین نهادهای تحت‌مدیریت آن دولت بوده، در دولت اصلاحات که اینچنین بود در این دولت هم کمابیش آن همان ابتدای انتخاب وزرا تا استیضاح فرجی‌دانا ما شاهد این چالش‌ها هستیم. به‌نظر شما اصولگرایان چه برداشتی از نهاد دانشگاه دارند؟

سؤال سختی است اما پاسخش این است که موضوع جدیدی نیست، بلکه یک معضل تاریخی است. این مساله‌ای است که گریبانگیر کشورهای جهان‌سوم است و در فقدان احزاب، بپار آن به دوش دانشگاه‌ها می‌افتد. در همان زمان استیضاح آقای‌فرجی‌دانا، من پستی در صفحه «پیک‌بوک» خود با عنوان «دانشگاه‌یتیم» گذاشتم. خیلی من این است که قبل از اینکه مشکل این جناح یا مجلسی‌ها با وزیر یا دولت باشد، با خود دانشگاه است؛ نه بر پایه دشمنی بلکه بر پایه ناآگاهی یک نگاه نادرست به دانشگاه. این عدم شناخت باعث می‌شود نگاهشان هم مبتنی بر تهدید شود؛ یعنی دانشگاه را اینگونه ببینند. اگر ما یک جامعه توسعه‌یافته بودیم، همه جناح‌های سیاسی باید خود را مدافع منافع دانشگاه می‌دانستند و در مسایل دانشگاه دخالت نمی‌کردند و دانشگاه را ابزار اهداف سیاسی قرار نمی‌دادند. در حالی که اینطور نیست گویانکه دانشگاه یک پاتوق سیاسی است که باید عضوگیری و دخالت کرد؛ از انتخاب ریاست تا ایجاد نهادهای دانشجویی فرامایشی، جهت‌دهی و ایجاد محدودیت‌های عجیب‌و‌غریب. این جواب نخواهد داد و در بلندمدت هم بسیار خسارت‌آور خواهد بود. علت‌دوم در قضیه برخورد با دانشگاه و این مورد اخیر استیضاح وزیر، برخورد با دولتی بود که موردحمایت آنها نبود. سومین دلیل برخورد با شخص وزیر بود. به نظر من در همین استیضاح اگر آقای‌روحانی خودشان به مجلس می‌رفت و

دفاع می‌کرد؛ خیلی تاثیرگذار بود. حتی اگر این دفاع منجر به دادن رای «اعتماد» نمی‌شد، اما برای جامعه می‌توانست آموزنده باشد. عدم‌شرکت شاید به لحاظ سیاسی، اخلاقی اقتصاد،ی، ترافیک، محیط‌زست، پایین‌بودن سرمایه اجتماعی و اعتمادی، سوءظن، افزایش آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی و... مشکل داریم. انتقاد دارم نسبت به این مساله آنطور که باید اهتمام نکردند؛ اهتمام نسبت به شکل‌دادن نهادهای مدنی در همه زمینه‌ها. ما در زمینه مدیریت، فساد اداری، اخلاق سیاسی، اخلاق اقتصادی، ترافیک، محیط‌زست، پایین‌بودن سرمایه اجتماعی و اعتمادی، سوءظن، افزایش آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی و... مشکل داریم.

بن‌بست بخورند، کاملاً منفعلی می‌شوند.
نباید از یاد ببریم که هدف اصلی، خود مردم هستند و سیاست، وسیله خدمت به مردم به شمار می‌رود در حالی که متأسفانه در برخی موارد - در هردو جناح - سیاست، هدف شده و مردم وسیله. این نوعی بی‌احترامی به مردم هم است. «گانت» جمله‌ای به این مضمون دارد که انسان خودش هدف است، ما هم می‌گوییم درد از آفرینش، انسان بوده است. این انسان نمی‌تواند وسیله حتی مقدس‌ترین هدف‌ها قرار گیرد. من سعی کردم بعد از اینکه از دولت‌دوم آقای‌خاتمی بیرون آمدم، در این زمینه فعال شوم و حدود هفت «ان‌جی‌او» در زمینه‌های اخلاقی، علمی و اجتماعی راه‌اندازی کردیم. درست است امکانات اطلاع‌رسانی کم داریم، اما سعی می‌کردیم کارهای اساسی انجام دهیم. مثلاً بر پایه مطالعه و پژوهش گزارش‌هایی از وضعیت جامعه و زنان تهیه کردیم که شاید در نوع خود بی‌سابقه بوده است. در مرحله بعدی سعی داریم گزارشی از وضعیت کودکان ایرانی منتشر کنیم.

ادامه از صفحه ۳

توافق هسته‌ای، حالا با هر کز

اگر جمهوریخواهان آنگونه که انتظار می‌رود در انتخابات پیروز شوند، دولت اوپاما تلاش می‌کند به‌سرعت و قبل از تشکیل مجلس جدید سنا - که در ژانویه سال آینده بر سر کار می‌آید - به توافق قطعی با ایران برسد. در تئوری، بهترین زمان برای توافق چندماه آینده است، چون در این مدت انگیزه‌های سیاسی دوطرف موازی هم هستند. اما یک مشکل بزرگ وجود دارد: مواضع دوطرف فاصله زیادی از هم دارد؛ ایالات‌متحده و شریکانش اصرار دارند که ایران غنی‌سازی را محدود کند. ایران اما هرگونه توافقی را که نشان‌دهنده محدودشدن برنامه هسته‌ای باشد نمی‌پذیرد. ایران همچنین به‌دنبال لغو فوری تمامی تحریم‌های اقتصادی است. طرف مقابل این کار را رد می‌کند و آن را بی‌احتیاطی و غیرعملی می‌داند. هرگونه توافقی به مصالحه دوطرف نیاز دارد، در هر دوکشور تندروها به توافق به‌دست‌آمده حمله خواهند کرد، به‌خصوص اگر اوپاما کنگره را نادیده بگیرد و شخصاً تصمیم‌ها را به حالت تعلیق در بیاورد؛ ایران نیز به تعلیق (نه لغو) تحریم‌ها بدین استت زیر در صورت تعلیق، رئیس‌جمهوری بعدی آمریکا می‌تواند تحریم‌ها را بازگرداند. آیا وجود این مشکلات به معنای این است که دستیابی به توافق سریع ممکن نیست و لازم است که مهلت گفت‌وگوها تا سال آینده تمدید شود؟ لزوماً اینگونه نیست، حتی اگر جمهوریخواهان در انتخابات کنگره در ماه آینده پیروزی بزرگی به دست آورند، در این صورت این سؤال برای ایران مطرح می‌شود که آیا کنگره بعدی با لغو تحریم‌ها موافقت خواهد کرد و با ضعیف‌ترشدن اوپاما در نگاه مذاکره‌کنندگان ایرانی آنها بیشتر بر لغو تحریم‌ها گسترده پافشاری می‌کنند. این درخواست، دولت اوپاما را در وضعیت سخت‌تری برای قبولاندن توافق به جمهوریخواهان قرار خواهد داد. مگر اینکه این موافقت کند که دست‌نزد خود را به‌طور عمده به نتیجه برسانند یا هیچ‌وقت. گزینه دیگر این است که مهلت را تمدید کنیم و امیدوار باشیم که با هستگی به توافقی محکم و جامع دست‌یابیم؛ گزینه‌ای که چندان واقعیت‌ناقص نیست. علت ضعیف بودن امکان چنین گزینه‌ای این است که در انتخابات بعدی آمریکا شرایط تغییرات زیادی می‌کند.

۲۰۱۵، در ماه دسامبر سال۲۰۱۵ انتخابات پارلمانی در ایران برگزار می‌شود و چندمه بعد رای‌دهندگان باید اعضای مجلس شورای نگارن را انتخاب کنند. با آگاهی از اهمیت بالای این دو انتخابات، مذاکره‌کنندگان ایرانی به نتایج آن چشم دوخته‌اند. مذاکره‌کنندگان آمریکایی نیز باید توجه کنند، چون تاریخ دستیابی به توافق می‌تواند در نتیجه این دو انتخابات تأثیرر بگذارد. در حال حاضر مجلس ایران به‌وسیله اصولگرایان کنترل می‌شود. برای تغییر این وضعیت حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران باید به منافع اقتصادی ناشی از توافق هسته‌ای دست یابد. روحانی به این منافع خیلی زود احتیاج دارد تا بتواند نظر رای‌دهندگان را جلب کند. به‌عبارت دیگر، هرچه زمان دستیابی به توافق طولانی‌تر باشد کمک کمتری به آقای روحانی می‌کند.ملاحظه‌ایران این می‌داند که اگر قرار است توافقی به‌دست آید وقوع آن، منافع آنها کمتر بود. وقتی این تقویم را با هم مرور کنیم، استراتژی آمریکا روشن می‌شود. در حالی که ایالات‌متحده و متحدانش باید به اهداف اصلی خود (یعنی بازداشتن ایران از دستیابی به جنگ‌افزار هسته‌ای) دست یابند، باید به یاد داشته باشند که دستیابی به توافق می‌تواند بازی سیاست داخلی ایرانیان را تغییر دهد. آمریکا می‌تواند روی توافق هسته‌ای با ایران حساب کند چون منافع سیاستمداران ایران ایجاب می‌کند که به توافق هسته‌ای دست پیدا کنند و دروازه‌های کشور را به روی جهانپا باز کنند. اگر مذاکره به زودی به نتیجه نرسد، پنجره کوچک فرصت ما بسته خواهد شد و غرب به احتمال بسیار زیاد با مناقشه خاورمیانه پی‌نات و ایران سر کش کنار بیاید. تندرهای ایرانی منتظرند که سیاست آمریکا به سوی راست‌گرایان بچرخد و گفت‌وگوها وارد چالش شود. پایان گفت‌وگوها می‌تواند باعث پیروزی بلندمدت آنها در داخل ایران شود. به همین دلیل حتی اگر در انتخابات میان دورهای جمهوریخواهان پیروز شوند ما باید به‌سرعت مذاکرات را ادامه داده و به توافق دست یابیم. هرچه زودتر گفت‌وگوها طولانی شود این احتمال وجود دارد که شرایط سیاسی در آمریکا و ایران به‌گونه‌ای تغییر کند که دیگر نتوان به هیچ توافقی دست یافت.

خبر

دستگیری جاسوسان در بوشهر

● **خانه‌ملت:** عباسعلی منصوری آرائی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، با اشاره به دستگیری تعدادی جاسوس در بوشهر توسط وزارتاطلاعات گفت: در هر زمانی که جمهوری اسلامی ایران به موفقیت‌هایی دست یافته است، جاسوسان و دشمنان ایران به جنبه‌وجوش افتاده و ضمن تلاش برای آگاهی از فعالیت‌های کشور با استفاده از بهترین فناوری‌های روز دنیا دست به خرابکاری زده‌اند.وی با بیان اینکه با وجود استفاده جاسوسان غربی از سیستم‌های ارتباطی ماهواره‌ای، سربازان گمنام ایران اسلامی با هوشیاری بسیار از امنیت کشور دفاع می‌کنند، افزود: اقدام اخیر نیز مهر تاییدی بر توانمندی وزارت اطلاعات است. روز پنجشنبه وزیر اطلاعات از دستگیری تعدادی جاسوس در بوشهر خبر داد.